

The Role of Civilized Government in Entrepreneurship: A Framework for the Future of the Islamic Republic of Iran

Taghi parsamehr*

Received: 2020/07/29

Accepted: 2020/10/19

Abstract

State of problem: The Gap Between the Civilizational Perspective and the Passivity of the Government Institution in Iran in Short-Term and Superficial Matters, and the Neglect of Institutional Agency.

purpose: To study the institutional action and policy of the civilized government in entrepreneurship in order to strengthen the internal power.

Method: The research method in this study is descriptive-analytical, and the information was collected in a library and in-depth interviews.

findings: The idea of being civilized makes sense to make changes at the institutional level and move away from government inaction about the future.

The government should be inspired by the sources of civilization, at a deep level, i.e. institutional agency, to pave the way for a new Islamic civilization. Civilized entrepreneurship beyond superficial policies, i.e. new institutionalization based on understanding the facts of the Iranian Islamic In this narrative, businesses grow naturally and deeply, and consistently this narrative, businesses grow naturally and deeply, and consistently.

The discourse of the civilized state is the basis for the formation of a new world and a new future and also cause a mental framework within the actors towards entrepreneurship.

Keywords: Civilized State, Exit From Passivity, Institutional Activism, Paving the Way, Future.

* Researcher of Futures studies, Qazvin, I.R.Iran.
parsamehrvision@gmail.com

نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چارچوبی برای آینده جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

تقی پارسا مهر*

چکیده

بیان مسئله: شکاف بین چشم‌انداز تمدنی و انفعال نهاد دولت در امور کوتاه‌مدت و سطحی، و غفلت از عاملیت نهادی، امری قابل اعتناء است. هدف: بررسی کنش نهادی و سیاست‌گذاری دولت تمدنی در پی‌ریزی ترتیبات نهادی جدید به منظور خلق کسب و کارها و کارآفرینی است.

روش: تحلیلی و توصیفی به همراه کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه‌های عمیق یافته‌ها: ایده تمدنی بودن، زمینه را برای ارتقاء کنشگری دولت از لایه‌های سطحی مثل دادن وام برای کسب و کارها و... به لایه‌های ژرف یعنی ترتیبات نهادی می‌کشد. دولت به نقش واقعی خود برمی‌گردد.

دولت باید فراتر از اقدامات سطحی، در عمق نهادی کنشگری کند، تا زمینه برای رویش کسب و کارهای سازگار با سرشت و واقعیت‌های شاکله اسلامی ایرانی فراهم گشته، مسیر برای تمدن نوین آینده همواره گردد. اگر چه از نظر فلسفی، انتخاب امکان‌های بدیل وجود دارد، اما در جهان واقعیت‌ها، هر مسیری وابستگی به مسیر، و امکان‌های خود را دارد؛ یعنی هر کنش دولت تمدنی، امکان‌هایی هموار، و امکان‌های دیگری را ناهموار می‌سازد. در نتیجه، دولت تمدنی باید از طریق نقش تحول نهادی خود، مسیری گذار به کسب و کارهای آینده را هموار سازد.

واژگان کلیدی: دولت تمدنی، خروج از انفعال، کنشگری نهادی، هموارسازی مسیر، آینده.

* (مقاله منتخب پنجمین هفته علمی تمدن نوین اسلامی) *

* پژوهشگر آینده پژوهی - دکترای آینده پژوهی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، جمهوری اسلامی ایران.

parsamehrvision@gmail.com

id 0000-0002-8465-9229

مقدمه

برای نشان دادن موقعیت مسئله خیزی^۱، ابتدا به چند رخداد به عنوان شواهد طرح مسئله اشاره می‌شود.

در مارس سال ۲۰۱۱، با اعتراضات نمازگزاران مسجد اموی دمشق، شورش‌هایی هم در شهر محروم درعا واقع در جنوب سوریه آغاز گردید. این شورش‌ها بتدریج در سایر شهرها مثل حمص گسترش یافت. دیری نگذاشت با مداخله عوامل خارجی این شورش‌های داخلی، به جنگ داخلی خانمان‌سوز با میلیون‌ها آواره، و تلفات مالی و جانی فاجعه‌باری مبدل شد (گاه‌شمار جنگ داخلی سوریه، ویکی‌پدیا، گاردین، ۲۰۱۱).

در عراق نیز در اکتبر ۲۰۱۹، مجموعه اعتراضاتی در قالب تظاهرات، پیاده روی، تحصن، و اعتصاب شکل گرفت. هدف این حرکت‌ها، ابتدا اعتراض به فساد، بیکاری، و ناکافی بودن خدمات عمومی بوده است، که در ادامه با مداخله سایر نیروها، به تخریب و براندازی تغییر جهت داد (گاه‌شمار اعتراضات در عراق، ویکی‌پدیا).

در آبانماه ۱۳۹۸ در ایران اعتراضات سراسری شکل گرفت. ابتدا هدف این تجمعات مردمی اعتراض به افزایش قیمت بنزین، و احتمالاً اعتراض به بیکاری، تورم، فساد... بوده است اما با مداخله عوامل خارجی و یا احتمال خطاهای راهبردی برخی از کنش‌گران، اعتراضات مردمی به سوی خشونت، تخریب، و کشتار منحرف گردید (اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ایران، ویکی‌پدیا).

با تأمل بر رخدادهای بالا، معلوم می‌شود که اگرچه عوامل خارجی برای شکل‌دهی و شتاب‌بخشی سناریوهای فروپاشی در قلمرو تمدن اسلامی نقشه‌ها

^۱ موقعیت مسئله خیزی یا پروبلماتیک، موقعیتی است معماگونه، این موقعیت خاستگاه مشروعیت‌بخشی به پژوهش جدید است.

داشته، و خواهند داشت، اما این جوامع قلمرو تمدن اسلامی هستند به صورت تاریخی فاقد " زنجیره‌های نهادی ارزش‌ساز تمدنی " در حوزه‌های اقتصادی، کسب و کار، و... بوده‌اند. براین اساس، در این جوامع به دلیل فقدان زنجیره‌های نهادی ارزش‌ساز تمدنی در بعد کارآفرینی، همواره در لایه‌های عمیق اجتماعی آن، نارضایتی‌های ناشی از بیکاری، رانت، و فساد بطور بالقوه وجود داشته، و این پتانسیل‌های بالقوه در شرایط تحریک‌آمیز عوامل خارجی، و ضعف قدرت مرکزی، و تلاقی پیشران‌های متعدد، و... زمینه‌ساز بی‌ثباتی، و فروپاشی‌ها تمدنی می‌گردد.

جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک دولت تمدنی است، چرا که نقشی که در موقعیت منطقه‌ای و جهانی برای خود قائل است، مبتنی بر نوعی معنابخشی تمدنی است که از هویت تمدنی اسلامی تأثیر می‌پذیرد و بر محیط تأثیر می‌گذارد، که این نوع کنش‌گری تمدنی فراتر از کنش‌گری در سطح ملی است. ایران در بعد نظامی در جبهه مقاومت در مقابله با داعش، و در بعد فرهنگی در احیای زیارت اربعین، مصداق دولت و کنش‌گری تمدنی است. اگر چه نهاد دولت در ایران در حد لایه-ی سطحی، برای توسعه اشتغال از قبیل دادن وام به کسب و کارها، وام اشتغال و... اقداماتی انجام داده است و قابل تحسین نیز می‌باشد. اما این دولت به مثابه نهاد دولت، هنوز با نقش عاملیت خود در نهاد‌گذاری و ایجاد ترتیبات نهادی فاصله زیادی دارد، و در سناریوی انفعال بسر می‌برد.

ایران، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و حکومت اسلامی را شکل داد، اما در بعد اقتصادی عمدتاً تحت تأثیر مدرنیته غربی بوده است تا "مجموعه داشته‌های خودی" یعنی هنوز نتوانسته در حد مطلوب، بر اساس فهم، تأمل، و گفت و گو با واقعیت‌ها و تأمل بر تجارب شکست و پیروزی در درون روایت ایرانی، به یادگیری‌های سیاستی و حکمرانی در حوزه اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی دست یابد.

بر اساس نگاه تاریخی، در اوایل انقلاب، اقتصاد ایران تحت تأثیرپذیری ورسوب رویکردهای چپ، خصوصی به یکباره و فراگیر، و به شدت به حاشیه رفت. این روند منجر به دولت بوروکراتیک، بحرانی شدن هزینه‌های عمومی، سنگین شدن دولت پرتکفل، کاهش تولید و کاهش رشد، کاهش تولید و رشد، کاهش اشتغال و کارآفرینی نیز پیامد طبیعی افول کسب و کارها بوده است (پارسامهر، ۱۳۹۴، صص ۱۲۶-۱۶۰). در پاسخ به این رویکرد افراطی، از زمان پایان جنگ تحمیلی، بین دولت و بخش خصوصی و توسعه کسب و کارها، نوعی دوگانگی و تقابل شکل گرفت، که دولت نه تنها مانع اصلی توسعه کسب و کارها، بلکه دولت، در نقطه تقابل جوهره‌ی حکومت قانون تلقی شد (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۲۲۵). بر این اساس تأکید بر مکانیسم بازار، و به انفعال کشاندن دولت، و قائل شدن به نقش حداقلی، آن هم فقط محدود به شرایطی خاص مثل جبران کاستی‌های مکانیسم بازار مورد توجه قرار گرفت (نیلی، ۱۳۸۲ صص ۳۸۷). این رویکرد نئوکلاسیک با توجه به توفیقاتی که برای برخی از دولت‌های غربی مثل ریگان و تاجر در بر داشت، به شعار دهه ۸۰ تبدیل شد، و در ایران نیز برجسته‌سازی بخش خصوصی، و به حاشیه رانی دولت، علاج عام و فراگیر همه مسایل، از جمله کارآفرینی و کسب و کارها معرفی گردید. اما در ایران به دلیل ریشه نداشتن این رویکرد در بافت تاریخی و اجتماعی جامعه، خصوصی‌سازی تقلیدی و وارداتی در بسیاری از صنایع مثل برق، نیروگاه‌ها فاجعه‌بار بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱). یعنی خصوصی‌سازی بدون توجه به بافت جامعه، در توسعه و خلق کسب و کارها هیچ توفیق قابل توجهی نداشته است.

بنابراین مسئله این تحقیق، این است که جمهوری اسلامی به مثابه یک دولت تمدنی، چگونه و با چه رویکردی در حوزه کارآفرینی و خلق کسب و کارهای جدید، کنش‌گری نهادی کند، تا قابلیت‌های مسکوت مانده در داخل کشور فعال، و

این دولت به مثابه الگوی تراز تمدنی، مسیرگذار به تمدن نوین اسلامی را هموار سازد. سپس بعد از توفیق در عاملیت نهادی کارآفرینی در داخل کشور، مبادرت به توسعه زنجیره‌های نهادی ارزش‌ساز تمدنی در قلمرو خود نماید. این زنجیره‌های ارزش‌ساز تمدنی، از طریق گسترش اشتغال، کارآفرینی، توسعه بازارهای جدید، خلق کسب و کارها و... عوامل بی‌ثباتی و فروپاشی در لایه‌های عمیق اجتماعی در سراسر قلمرو تمدنی مثل عراق، سوریه، و... را مرتفع، یا به حداقل ممکن کاهش می‌دهند، ایجاد "ثبات تمدنی" زمینه‌ساز تحقق چشم‌اندازهای بلندمدت تمدنی امت واحده است. منظور از دولت تمدنی جمهوری اسلامی این است که این دولت در کنشگری خود در مقیاس خارجی و داخلی از گفتمان تمدن ایرانی اسلامی (شامل ایده و هویت تمدنی و نگاه تمدن اسلامی، بهره‌گیری از تجارب تمدنی، بهره‌گیری از تجربه‌های موفق سازگار با بافتار ایرانی و اسلامی به ویژه در چهل سال پس از انقلاب اسلامی و...) هدایت و تأثیر می‌پذیرد. تمدن بودن دولت و کارآفرینی ناظر بر سازگاری با "خاص بودگی جامعه ایرانی" در مقابل رویکردهای تقلیدی-تعمیمی و "بیگانه با بافتار" معنا پیدا می‌کند.

بنابراین سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از:

جمهوری اسلامی ایران به مثابه دولت تمدنی چگونه و از طریق چه سازوکارهایی می‌تواند کنشگر نهادی در حوزه کارآفرینی داشته باشد؟

سؤالات فرعی

- کارآفرینی تمدنی با سایر اشکال کارآفرینی چه تفاوتی دارد؟
- نگاه به دولت کارآفرین از منظر تمدنی چه تمایزی با سایر اشکال دولت‌های کارآفرینی دارد؟

۱- مروری بر تحقیقات پیشین

در رابطه با عنوان تحقیق (دولت تمدنی و کنشگری در کارآفرینی) تا کنون هیچ

تحقیقی یافت نگردید. در مدار تحقیقات پیشین، در زمینه دولت تمدنی، و کارآفرینی تحقیقاتی انجام شده است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یافته‌های پژوهشی ابراهیم دادجو (۱۳۹۸) با عنوان "واقع‌گرایی در مطالعات تمدن نوین اسلامی" بر رویکرد واقع‌گرایی فلسفی تأکید دارد. در این مقاله، رویکردهای ظاهرگرایی و قراردادگرایی مورد انتقاد قرار داده، و برای بازسازی یا بازآفرینی تمدن نوین بر واقع‌گرایی اشارت دارد (دادجو، ۱۳۹۸، ص ۶۵).

یافته‌های پژوهشی مقیسه، کیقبادی، و پدرام (۱۳۹۶) با عنوان "علایم پیدایش تمدن نوین اسلامی، هشدار برای ایجاد و تقویت سازمان‌های تمدن‌ساز" بر شناسایی درست علایم تغییر، شناسایی مسئولین و نهادها و سازمان‌های کشور در هدایت امور به سمت آینده تمدنی تأکید می‌ورزند (مقیسه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۶).

یافته‌های پژوهشی پارسامهر (۱۳۹۸) با "عنوان‌گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده" به منظور هموارسازی مسیر تمدن نوین آینده، بر قابلیت‌سازی تاب‌آوری در جامعه، از طریق سیاست‌گذاری انطباقی عمومی اشارت دارد (پارسامهر، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷).

یافته‌های پژوهشی زانگ ویوی^۱ (۲۰۱۲) با عنوان "موج چین: ظهور یک دولت تمدنی" اشاره بر شواهدی بر پایان نظم جهانی لیبرال و ظهور الگویی نوینی از سازمان‌دهی سیاسی جهان بر اساس دولت تمدنی دارند. در این پژوهش، چین و روسیه در زمره حکومت‌هایی قرار می‌گیرند که لیبرالیسم غربی را رد، و خود را از منظر تمدنی با ویژگی‌های یگانه فرهنگی و نهادهای سیاسی تمدنی تعریف می‌کنند (Weiwei, 2012, p205).

¹.Zhang Weiwei

جان. ام هابسون^۱ (۲۰۰۴) با عنوان "ریشه‌های شرقی تمدن غربی" اشاره می‌کند که روایت اروپامرکزی تمدن کم و بیش استمرار دارد. مفروض مستتر در روایت اروپامرکزی این است که اروپا (غرب) نسبت به تمدن‌های دیگر دارای برتری است. هسته اصلی تمدن اروپایی در مقایسه با تمدن کهن، جامعه مدار، و استبدادی چین عقلانیت و دموکراسی بوده، و چین به دلیل عدم پیروی از مدل غربی دچار شکست خواهد شد (Hobson, 2004, p1).

برنال و آتنا^۲ (۱۹۸۷) با عنوان "ریشه‌های آسیایی آفریقایی تمدن کلاسیک" دو دیدگاه اصلی را مطرح می‌کنند. دیدگاه اول این است که یونان با آن دموکراسی باستانی، فلسفه، عقلانیت علمی که به مدل آریایی مشهور است، ریشه تمدن اروپایی است. اما در نگاه دوم، آسیا به طور عام، و مصر بطور خاص ریشه اصلی تمدن اروپایی محسوب می‌شود (Bernal & Athena, 1987, pp22-37).

قین^۳ (۲۰۱۲) با عنوان "سود و زیان‌های سیاستی در تاریخ دودمان‌های چینی" به دولت تمدنی از منظر ساخت دولت می‌پردازد. او با نگاه تاریخی تقابل بین چین باستان، یونان، و روم را برجسته می‌کند. او اشاره می‌کند که یونان باستان دارای مردم بود، اما فاقد یک دولت واحد و منسجم بود، و روم دارای یک دولت یکپارچه بود اما، فاقد یک ملت بود. اما در مقایسه با آنها، چین باستان دولت یکپارچه و واحد بود با یک ملت (زبان واحد، نظام واحد، سیستم واحدی از معیارها و غیره). او یونان باستان را مردم به غیر از دولت واحد، ترکیبی بدون قید و بند از شهرهای متکثر کوچک می‌داند، که هر یک از آنها ده‌ها هزار جمعیت دارد، که آنها کوچکتر از شهرک‌ها و محلات در سلسله‌های خین^۴ (از ۲۲۱-۲۰۶ قبل از میلاد) یا دودمان

¹. John M. Hobson

². Bernal and Athena

³. Qian

⁴. Qin

هان^۱ (از ۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ بعد از میلاد) بودند (Qian, 2012, pp6-7). دیوید آهلستروم^۲ و زهجون دینگ^۳ (۲۰۱۴) با عنوان: کارآفرینی در چین، یک نگرش جامع، اشاره می‌کند که کارآفرینی در چین رشد قابل توجهی داشته که پیامد آن خلق مشاغل جدید بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی ده برابر شده است. کارآفرینی در چین جدید توسط جوانان تحصیل کرده انجام می‌شود. بافتار کارآفرینی چین شامل مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی، و تفاهم‌های فرهنگی است که هر دوی این دو مجموعه تاریخ ویژه اجتماعات چینی در بافتار تاریخی ریشه یافته‌اند. (Ahlstrom & Ding, 2014, pp610-618).

هال^۴ و دیگران (۲۰۱۰) با عنوان: "توسعه پایدار و کارآفرینی: سهم گذشته و مسیر آینده" بین پژوهش‌های نوظهور و توسعه پایدار و کارآفرینی پیوند برقرار می‌کنند. آنها چنین بیان می‌کنند که کارآفرینی به مثابه مجرای اصلی فرایندها و محصولات پایدار بشمار می‌رود. با توجه به افزایش فجایع محیطی و اجتماعی که به تسلط نگاه‌های بدبینانه منجر می‌شود، در این تحقیق، نجات تمدن‌ها بر دوش قهرمانان کارآفرینی محیطی - اجتماعی نهاده شده است (Hall et al, 2010, pp439-448).

حسینی‌نیا و بیطرف (۱۳۹۴) با عنوان "دولت کارآفرین، اصول و مفاهیم" مفهوم دولت کارآفرین را به عنوان راهکار برای مرتفع ساختن مشکلات اداری - دولتی مطرح کرده‌اند. در این تحقیق ویژگی‌های دولت کارآفرین، موانع و چالش‌های آن و نحوه تسهیل و اثر بخشی فرایند کارآفرینی در سازمان‌های دولتی مورد بررسی قرار گرفته شده است (حسینی‌نیا و بیطرف، ۱۳۹۴).

1. Han

2. David Ahlstrom

3. Zhujin Ding

4. Hall

فتاحی و طباحیان (۱۳۹۵) با عنوان "بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه" بر یک چارچوب مفهومی تمرکز می‌شود که در آن نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه برجسته شده است. مطابق این تحقیق، دولت باید به خلق محیط زمینه‌ای جهت رویش کارآفرینی بپردازد (فتاحی و طباحیان، ۱۳۹۵، صص ۱۵۱-۱۷۳).

این تحقیق در امتداد و تکمیل مدار تحقیقات دولت و تمدنی، و تحقیقات کارآفرینی با بدنه دانشی موضوع ارتباط برقرار می‌کند. همچنین در راستای جبران کاستی‌ها تحقیقات پیشین، کارآفرینی دولت تمدنی مورد بررسی قرار داده است.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- بررسی مفهومی تمدن و دولت تمدنی

تمدن از شئون اجتماعی انسان است (ابن خلدون، ۱۳۶۶ ص ۵۷) یعنی تمدن وقتی به عرصه وجود می‌آید که بعد اجتماعی انسان شکل گرفته باشد. ویل دورانت بر نظم‌پذیری اجتماعی تأکید می‌ورزد، که بسترساز امکانی فعالیت‌های فرهنگی است (دورانت، ۱۳۷۸ ص ۱۰۳). هانتینگتون تمدن را یک نوع وجود فرهنگی محسوب می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۴۴). از منظر هرسکویتس، تمدن عبارتست از مجموعه‌ای از دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و رسوم مبتنی بر نهادهای اجتماعی، بر اساس پیش‌ران‌های اختراعات فناوری و فعالیت‌های فردی و گروهی در سیر تاریخی، تکامل و توسعه می‌یابد (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۴۹). از نظر لوکاس، تمدن یک پدیده‌ی در هم پیچیده و درهم تنیده‌ای است از رخدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و هنری، و ادبیاتی (لوکاس، ۱۳۶۶، ص ۱۶). توین بی‌تمدن را حاصل کنش عاملیت نوآوارنه و نبوغ طبقه ممتاز جامعه تلقی می‌کند، از نظر او این اقلیت نخبه و طبقه ممتاز است که تمدن را پدید می‌آورند (توین بی،

۱۳۷۶، ص ۱۵۴). شریعتی تمدن را به مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی تعبیر می‌کند (شریعتی، ۱۳۵۹ ص ۵).

از نظر نگارنده مقاله، تمدن به همه داشته‌های مادی و معنوی اطلاق می‌شود، که در سیر تاریخی و اجتماعی بتدریج تکوین یافته، و بر نحوه کنش‌گری کارگزاران از قبیل دولت، سیاست‌گذاران، نهادها، و مردم، اثرگذاری تمدنی را دارد. منظور از همه داشته‌های مادی و معنوی این است که تمدن نباید فقط به عوامل و ابعاد فرهنگی و سیاسی محدود کرد، بلکه عوامل و داشته‌های مادی و اقتصادی و کارآفرینی، صنعتی‌ساز و... همه در شاکله تمدنی به کلیت می‌رسند.

تمدنی بودن به این دلیل اهمیت دارد، که تمدن‌های متفاوت از قبیل تمدن مدرن غربی، تمدن کنفوسیوسی، تمدن اسلامی، و... هریک محیط نهادی کنش‌گری سازگار با خود را بوجود می‌آورند، و بر نحوه کنش‌گران در حوزه‌های انضمامی زندگی مثل، اقتصاد و کسب و کارها، سیاست خارجی، و سیاست‌گذاری‌های عمومی و نهادسازی و... تأثیر بنیادینی دارد، تمدنی بودن یک امر انتزاعی محض جدا از زندگی واقعی نیست، بلکه جریانی است که همه شئون زندگی اجتماعی و فردی را در بر می‌گیرد.

تمدنی بودن، یک رویکرد صرفاً خنثی نیست، بلکه این معنا سازنده‌ی واقعیت‌های جهان انضمامی از قبیل نظم بین‌المللی، حکمرانی و سیاست‌گذاری‌های داخلی، خلق کسب و کارهای جدید و کارآفرینی است.

۲-۲- بررسی دولت تمدنی

دولت تمدنی، دولتی است که در کنش سیاستی از تمدن (ایده و نگاه تمدنی، تجارب انباشته تاریخی، بازاندیشی در شکست‌ها و پیروزی‌ها... سازگار با بافتار زمینه‌ای خود اثر می‌پذیرد. به بیان دیگر، فهم و تبیین نحوه اثرپذیری دولت از تمدن، در تمام شئون داخلی و خارجی ما را به گشایش پنجره‌ی امکانی جدیدی

تحت عنوان "دولت تمدنی" رهنمون می‌سازد. تفاوت دولت تمدنی با سایر اشکال دولت در طیف وسیعی از امکانات اثرگذار است که دولت بر خوداری از آنها در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی به کنشگری می‌پردازد (نوروزی، ۱۳۹۴، صص ۱۳۱-۱۰۱). به عبارت دیگر، اگر در شکل‌گیری یک دولت و یا کنش‌گری آن دولت، تمدن (ایده و نگاه تمدنی، تجارب انباشته تمدنی و...) مشخص نقش کلیدی در هدایت‌گری را بر عهده بگیرد، آن دولت تمدنی است. یعنی وجه تمایز دولت تمدنی با سایر اشکال، تأثیرپذیری از ایده هدایتی است (عبد خدایی، صص ۹۷-۱۲۲). کاکس^۱ معتقد است که نظم موجود جهانی از طریق تغییر شکل دولت‌ها از "سرزمینی-ملی" به تمدنی در حال تغییر است (Cox, 1987, p108). مطابق این نظر، تمدنی بودن، روابط بین‌الملل، نظم‌های منطقه‌ای و نظم جهانی مبتنی بر دولت-ملت را دستخوش تغییر قرار داده، و نظم نوینی بر اساس دولت‌های تمدنی در حال ظهور است. دولت‌هایی که هویت خود را از تمدن می‌گیرند در حال افزایش است. دولت‌های مانند چین، هند، ترکیه، و ایران مصداق دولت‌های تمدنی هستند.

احمد داوداگلو معتقد است وقتی تمدن و دولت تمدنی به قلمرو حیات و بالندگی می‌رسد، که محیط آن دولت، یعنی جامعه‌ای که دولت از آن هویت و تأثیر می‌پذیرد، به حیات و بالندگی دست یافته باشد (Davutoglu, 2014, p11). مطابق این نظر، هیچگاه تمدن و دولت تمدنی فقط در لایه‌ی فرهنگ، و امور قابل ملموسی مانند ابنیه، میراث‌ها فرهنگی و... محدود نمی‌شود، بلکه تمدنی بودن در همه ابعاد از جمله سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و خلق کسب و کارها تبلور پیدا می‌کند. کانسنی^۲ بر شمولیت تمدن تأکید دارد. یعنی تمدنی بودن نوعی روش

^۱.Cox

^۲.Koneczny

جامع و کلیت یافته‌ای است که کل زندگی مشترک انسان‌ها، زندگی مادی و معنوی، فرد و خانواده، جامعه و دولت، اخلاق، هنر، آموزش و... را در بر می‌گیرد (Koneczny, 1962, p10). منداویل^۱ بر ویژگی تمدنی بودن در خصوص نمایندگی از شکل کثرت‌گرا، و پاسخ‌گویی به نیازهای متکثر تأکید می‌ورزد (Mandaville, 2007, p135).

۲-۳. از دولت تمدنی تا کارآفرینی تمدنی

ریشه کارآفرینی^۲ از واژه فرانسوی آنترپراندر^۳ به معنای بر عهده گرفتن و ریسک کردن که مستلزم نوعی کنترل درونی است، می‌باشد. این مفهوم از کارآفرینی مورد توجه بسیاری از افراد مانند شومپیتر، کانتیلون، و فیلیون قرار گرفته شده است (احمد پورداریانی، ۱۳۸۳ ص ۸۲). بنابراین دولت کارآفرین "دولت برعهده گیر" و "مسئولیت پذیر" است. از نظر برخی، کارآفرینی موجب تمرکز منابع محدود در حوزه‌های پر بهره‌وراست (Sadler, 2010, pp 25-43). نهادهای کارآفرین، از آنجا که روی لبه‌های شایستگی‌های محوری خود عمل می‌کنند، به جای اینرسی در شرایط موجود، با ناشناخته‌های تجربه نشده درگیر می‌شوند، همواره به آینده توجه می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، صص ۷۵-۸۳). بنابراین نهادهای کارآفرین از جمله دولت کارآفرین سازمان‌های آینده محور هستند.

در نگاه‌های سنتی به کارآفرینی، ممکن است این مفهوم در قلمرو شرکت‌های کوچک، متوسط، و بخش خصوصی، تعریف شود. اما امروزه توجه محققان به دولت کارآفرین، و تأثیر کارآفرینی در حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی جلب شده است (جهانگیری و مبارکی، ۱۳۸۸، صص ۶۶-۳۵). در عصر پیچیدگی امروزی،

.....
¹ Mandaville

² Entrepreneurship

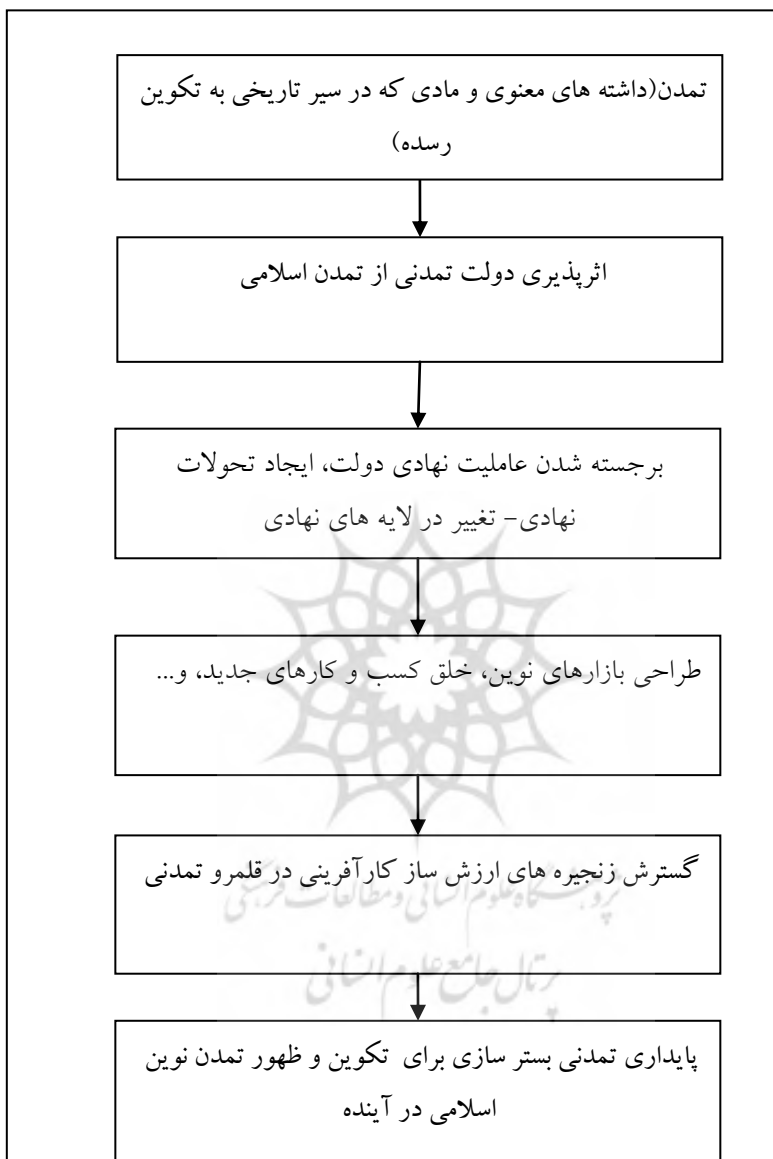
³ Entreprenre

دولت‌های بوروکرات به سختی به چالش کشیده شده‌اند، و امروز "دولت کارآفرین" توجه بسیاری را به خود جلب کرده است- (Tajeddini, 2010, pp 221-231). با توجه به چالش‌های عصر پیچیدگی، جوامع با بوروکراسی‌های سنتی یا جدید، قادر به انطباق‌پذیری با تغییرات نخواهند بود. جوامعی قادر به بقاء می‌شوند که دولت کارآفرین را مورد اقبال قرار دهند.

از نظر نگارنده، اندیشه ورزی تمدنی وقتی ارزشمند است که منجر به ظهور وجه "بیداری و متعالی" ما مقیمان قلمرو تمدنی گردد. تمدنی بودن باید موجب بیداری، حرکت‌های بزرگ، جوشش و رویش‌های نوین در همه شئون از جمله سیاست‌گذاری، اقتصاد، کسب و کارها و... گردد. کارآفرینی تمدنی به دلیل ریشه داشتن در عناصر درونی و منابع تکوینی جامعه ایرانی اسلامی، در مقایسه با نسخ وارداتی (چپ و راست مدرنیته) زمینه ساز، ظهور وجه متعالی و بیدار کنش‌گران روایت ایرانی می‌گردد. تمدنی بودن کارآفرینی چارچوبی است برای بازتعریف نهاد دولت، نهاد کارآفرینی، و نهاد کسب و کارها و... سازگار با بافتار تمدنی (شامل ایده‌ها و اندیشه‌های تمدنی، تجارب انباشته تمدنی، یادگیری از شکست‌ها و پیروزی‌های سیاستی در حوزه کارآفرینی و... و توجه به خاص بودگی حوزه تمدنی است) است.

۲-۴- مدل تبیینی تحقیق

در این تحقیق، دولت جمهوری اسلامی ایران از منابع متکثر و غنی تمدنی و هویت خود را کسب می‌کند. در عرصه خارجی و داخلی برای کنش‌گری از ایده تمدنی بهره می‌برد. در عرصه داخلی برای کارآفرینی، نه از نئوکلاسیک و لیبرال، و نه از دولت‌های چپ بوروکرات، بلکه از بافتار طبیعی خود (همه داشته‌های تکوین یافته) بهره می‌جوید. حکمرانی و سیاست‌گذاری آن مبتنی بر بافت است. در این مدل، کسب و کارهای کارآفرینی بطور طبیعی و تکوینی در زمینه خود رویش می‌کنند.



شکل ۱. مدل تبیینی تحقیق

۳. روش تحقیق

در تحقیق حاضر، از روش تحلیلی - توصیفی و روش تحقیق کیفی روایت پژوهی

استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از روش کتابخانه ای، و همچنین برای روش میدانی از طریق فن مصاحبه، و انجام مصاحبه عمیق که از روش‌های علمی پژوهشی محسوب می‌شوند، بکار رفته است. مصاحبه شوندگان کسانی انتخاب شدند که علاوه بر دانش نظری و دانشگاهی، مدیران و کارشناسان صنایع دارای تجربه زیسته‌های ارزشمندی بوده و دارای تجارب عملی با موضوع کارآفرینی باشند. بنابراین یافته‌ها از اعتبار کافی برخوردار است.

در قالب مصاحبه کیفی^۱، به صورت فردی و جداگانه رعایت ساختار مراحل سه‌گانه مصاحبه عمیق (اروینگ سیدمن) رعایت گردید. علاوه بر مصاحبه فردی، از جلسات گروهی نیز استفاده گردید. این جلسات معمولاً شش ماه، به صورت هفتگی برگزار گردید.

از میان روش‌های نمونه‌گیری، با توجه به اهداف پژوهش، نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شده است. در نمونه‌گیری قضاوتی، واحدهای نمونه با توجه به ذهنیت پژوهشگر انتخاب می‌شوند، پژوهشگر تلاش می‌کند نمونه‌هایی که معرف جمعیت باشد را گزینش کند. در این تحقیق، فراگرد مصاحبه تا مرحله اشباع نظری پی‌گیری شده است. اشباع نظری معیاری است برای تعیین نمونه‌ها که بر مبنای آن پژوهشگر تا حد اشباع مصاحبه‌ها را انجام داده است. اشباع سطح و حدی است که پاسخ به سؤال‌های عمده پژوهش اشباع شده و داده‌های جدیدی در فراگرد جمع‌آوری اطلاعات داده دیگر ایجاد نمی‌شود. در نگارش این مقاله با انجام ۲۰ مصاحبه با متخصصین حوزه‌های سیاست‌گذاری صنعتی، سیاست‌گذاری عمومی، اقتصاد، و جامعه‌شناسی، مدیران و کارشناسان صنایع دارای کنش عملی، اشباع نظری حاصل شد. به نحوی مصاحبه با متخصصان این حوزه‌ها آن قدر استمرار یافت که دیگر پاسخ‌های جدیدی در فراگرد مصاحبه به دست نیامد و پاسخ‌ها به حالت تکرار در

¹. Quality Interview

آمد و فراگرد مصاحبه به پایان رسید. در جدول زیر مشخصات مصاحبه‌شوندگان آمده است.

جدول شماره ۳. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مدرک تحصیلی		تعداد		مصاحبه‌شوندگان	ردیف
دکتری	کارشناسی ارشد				
*		۱		سیستم دینامیک	۱
	*	۱		کارآفرینی	۲
*		۱		علوم شناختی	۳
*		۱		سیاست‌گذاری صنعتی	۴
*		۲		خط‌مشی‌گذاری	۵
*		۲		اقتصاد و اقتصاد مقاومتی	۶
*		۲		جامعه‌شناسی	۷
*		۳		مدیران صنعت	۸
	*	۷		کارشناسان صنعت	۷

با توجه به حوزه‌های تخصصی، پرسش‌های هر حوزه تخصصی به صورت مجزا تدوین گردید.

۴. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق با توجه به محدودیت‌های پیشرو، تلاش شده است تا بر تأمل بر متون مرتبط از قبیل منابع کتابخانه‌ای و متنی، و همچنین انجام مصاحبه‌های عمیق و برگزاری جلسات گروهی با خبرگان علمی و صنعت‌گران، ابعاد مهم و کلیدی برجسته‌سازی عاملیت نهادی دولت در قالب کارآفرینی تمدنی در حوزه خاص و سازگار با بافتار ایرانی-اسلامی مورد شناسایی قرار گیرد. بنابراین یافته‌های این تحقیق حاصل مطالعه کتابخانه و انجام مصاحبه است. در اینجا، در راستای برگشت دولت به جایگاه والایی خود یعنی نقش عاملیت

نهادی، دلالت‌هایی به شرح زیر بیان می‌شود:

۴-۱- دولت کارآفرین (تمدنی): سناریویی برای آینده

اولین دلالت این است که دولت از چرخه معیوب نقش‌های سطحی و منفعلانه به چرخه متعالی خویش یعنی تحول‌آفرینی عمیق در محیط نهادی در قالب ظهور "دولت کارآفرین" ارتقاء یابد.

کارآفرین بودن دولت در مقابل "دولت منفعل" و همچنین "دولت بوروکراتیک" بر تکفل سنگین^۱ معنایابی می‌شود. تمدنی بودن کارآفرینی نیز اشارت بر رویش طبیعی کارآفرینی بر فراز بافت^۱ طبیعی جامعه دارد. "کارآفرینی تمدنی" نوعی از کارآفرینی است که بر فراز بافت (تمام داشته‌های معنوی و مادی) رویش می‌کند، یعنی ریشه‌های عمیق آن در داشته‌ها و منابع تکوینی جامعه است، منابع تکوینی که هویت‌بخش و معنابخش به نهادها از جمله دولت است. ما برای این مفهوم بنیادین یعنی "کارآفرینی تمدنی" به معنای رویش بر فراز بافت^۱ از قرآن کریم الهام گرفته‌ایم.

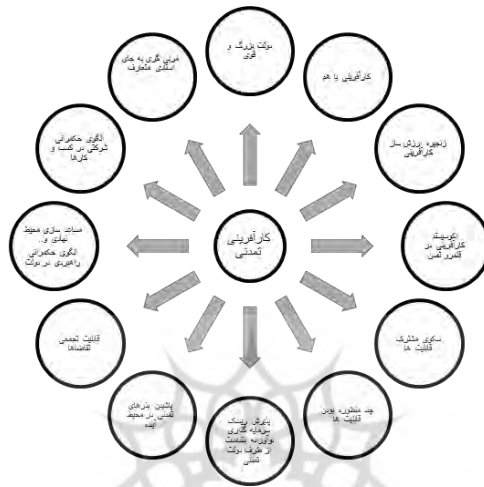
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

شجره‌ی طیبه، درختی پاکی است که ریشه در اعماق خاک داشته و با زمین و آسمان اقلیم سازگاری دارد. به همین دلیل به طور مستمر آثاری و ثمرات از قبیل رشد داشتن، پرمیوه بودن، سایه‌دار و پایدار بودن، در همه وقت دارد. اگر درختی فاقد ریشه داری عمیق در خاک، و ناسازگار با شرایط بافت اقلیمی، و به طور عارضی در یک اکوسیستم طبیعی متفاوت وارد شود، به دلیل نداشتن عمق در لایه‌های ژرف، ثمرات آن کم و عمر آن کوتاه‌مدت خواهد بود. مطابق این تعریف، تمدنی بودن کارآفرینی به معنای سازگاری با بافت است. بنابراین می‌توان به

1. contex

مصادقاتهای تمدنی از قبیل دولت تمدنی، صنعتی‌سازی تمدنی، اقتصاد تمدنی و... اشاره کرد.

در ادامه، ابعاد متعدد این سناریو توضیح داده می‌شود.



شکل ۲. ابعاد کارآفرینی تمدنی

۴-۱-۱. دولت بزرگ

این تحقیق نشان داد، که دولت، حداقلی، دولت ریسک‌گریز، و منفعل برای کارآفرینی تمدنی کفایت ندارد.

یکی از ابعاد مهم "دولت کارآفرین تمدنی"، "دولت بزرگ" است. دولت بزرگ به معنای داشتن تکفل بحرانی، هزینه‌های انباشته، و کسری بودجه و پیش‌خور کردن منابع آینده نیست. دولت بزرگ تمدنی یعنی دولتی با چشم‌اندازهای بدیع، نقش قوی در بازی بزرگ کارآفرینی. دولت هدایت‌گر برای سرمایه‌گذاری در صنایع آینده‌دار، یعنی پیش‌ران رشد و کارآفرینی در بخش خصوصی و عمومی. به عبارت دیگر، دولت تمدنی، در انقلاب‌های کارآفرینانه آینده، از طریق ترتیبات جدید نهادی، هدایت‌گری تأمین منابع مالی، در زنجیره‌های تمدنی کارآفرین درخشش خواهد داشت. دولت تمدن کارآفرینی، بازیگری شجاع و ریسک‌پذیر

است که در زنجیره‌ی کارآفرینی حضور فعالی دارد.

۴-۱-۲. اصل مکملیت (کارآفرینی تنها نه، دولت کارآفرین با بخش خصوصی کارآفرین)

اصل مکملیت دومین بعد دولت فعال و کارآفرین است.

در کارآفرینی‌های نئوکلاسیک، کارآفرینی بر عهده بخش خصوصی است، و بخش خصوصی و عمومی - دولتی در نقطه تقابل با هم قرار دارند. در حالی که در "کارآفرینی تمدنی مبتنی بر بافتار اسلامی - ایرانی" خصوصی‌سازی به معنای رهاسازی و بی‌مسئول‌سازی نیست. اصل مسئولیت‌پذیری همه در مقابل یکدیگر، از منابع ناب دینی اخذ شده است، و همه نسبت به دیگری مسئولیت دارند، و بازخواست خواهند شد. دولت در مقابل بخش خصوصی، و بخش خصوصی در مقابل بخش عمومی، نسل کنونی در مقابل نسل آینده و... همه مسئول هستند. در پرتو کارآفرینی تمدنی اسلامی، دولت و بخش خصوصی مکمل یکدیگر هستند. در اینجا، کارآفرینی نیز، یک بازی دو جانبه دولت و بخش خصوصی است، که سرنوشت یکی وابسته به دیگری است. به عبارت دیگر، کارآفرینی دولتی و کارآفرینی بخش خصوصی امتداد یک کلیت واحد تمدنی در بعد کسب و کار است. به همین دلیل هر دو بخش، به منظور پیروزی و رشد دیگری مراقبت ویژه اعمال می‌کند.

۴-۱-۳. تکمیل زنجیره‌های ارزش‌ساز کارآفرینی

دولت ایران ابتدا باید در داخل کشور، زنجیره‌های ارزش‌ساز کارآفرینی را تکمیل کند. یعنی در صنایعی از قبیل پتروشیمی، نفت، فولاد و... از انفعال صادراتی یعنی صدور مواد اولیه صرف بدون ارزش افزوده خارج، و سایر حلقه‌های ارزش‌ساز زنجیره با سیاست‌گذاری معطوف به بلندمدت قابلیت‌سازی کند، تا زمینه برای شکل‌گیری کارآفرینی واقعی مهیا شود.

دولت تمدنی ایران، پس از توفیق در فعال‌سازی زنجیره ارزش‌ساز در داخل کشور، این زنجیره را در قلمرو تمدنی خود گسترش دهد. همچنین باید کسب و کارها و شرکت‌هایی که قابلیت نقش‌آفرینی در قلمرو تمدنی را دارند، مورد شناسایی، و مسیر را برای استعدادهای کارآفرینی منطقه‌ای فراهم سازد. قابلیت‌های ارزش‌ساز کارآفرینی را از میان انبوه سازمان‌ها، بخش‌های عمومی و خصوصی، شرکت‌های دانش‌بنیان در قلمرو تمدنی تشخیص و شناسایی کند. این قطب‌های ارزش‌آفرین، زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی را در وسعت تمدن شکل می‌دهند. یعنی دولت تمدنی، به مثابه هسته کانونی از طریق نوعی غربال بازیگران، قابلیت‌های مستعد و مولد در کل جغرافیایی تمدنی وارد آرایشی تازه در صحنه‌ی بزرگ خلق کسب و کارها می‌کند. دولت تمدنی برای انتخاب قطب‌های مستعد و شکل‌دهی به زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی می‌تواند از معیارهای زیر استفاده کند:

- میزان ظرفیت بالقوه نیاز و تقاضا (در حال و آینده) برای آن صنعت.
- میزان تطابق شایستگی محوری آن صنعت، با آمایش (تناسب با مزیت‌های سرزمینی و اقلیمی، فرهنگی) در قلمرو تمدنی.
- میزان طول عمر آن صنعت یا فناوری. فناوری‌ها و صنایعی با عمر طولانی‌تر مثل صنایع ریلی، کارآفرینی پایدارتری نسبت به فناوری‌های با عمر کوتاه مثل فناوری‌های گوشی همراه، به همراه دارند.
- صنایع با مشتریان نهادی. صنایعی که دارای مشتریان سازمانی هستند نسبت به مشتریان نهایی بیشتر در کارآفرینی نقش دارند.
- امکان امتداد کسب و کار و بازار در قلمرو تمدنی. صنایعی انتخاب شوند که بتوان در سراسر منطقه تمدنی، کشورهای حوزه تمدن اسلامی، صنعت و بازار آنها را امتداد داد؛ مثل توریسم‌های نیروگاهی.

۴-۱-۴. دیپلماسی تمدنی، اکوسیستم تمدنی کارآفرینی

دیپلماسی فعال کارآفرینی یکی از ابعاد دولت کارآفرین است. دولت تمدنی لازم است، برای فعال‌سازی قابلیت‌های خفته در قلمرو تمدنی، نوعی دیپلماسی تمدنی در خصوص کسب و کارها و طراحی بازارهای بزرگ تمدنی را در دستور کار قرار داد. دیپلماسی تمدنی، فراتر از منافع محدود ملی و سرزمینی، در پی تحقق چشم‌اندازهای فراخ تمدنی است. دیپلماسی تمدنی می‌تواند حول زنجیره‌های ارزش کارآفرینی در کشورهای مختلف فعال شود، و نظم‌های جدید منطقه‌ای را بیافریند.

۴-۱-۵. سکوی مشترک قابلیت‌های تمدنی

تمرکز بر قابلیت‌های مشترک تمدنی در حوزه‌های کسب و کار و صنعت و... یکی از ابعاد دولت کارآفرین تمدنی است.

در کارآفرینی تمدنی، کسب و کارها، صنایع، و فناوری‌هایی برای ورود به عرصه کارآفرینی انتخاب می‌شوند، که نسبت به بقیه بیشتر بتوانند، قابلیت‌های مشترک کشورهای قلمرو تمدنی را بکار گیرند. این کسب و کارها پروژه‌های مشترک حوزه تمدنی است. مثلاً یک حوزه در ایده پردازی و طراحی اولیه قابلیت، دیگری در تولید انبوه و..

۴-۱-۶. صنایع و فناوری‌های با قابلیت‌های چند منظوره

صنایع و کسب و کارهایی که قابلیت چند منظوره دارند، نسبت به صنایع تک منظوره از ظرفیت بالاتری برای کارآفرینی برخوردار هستند. منظور از صنایع چند منظوره، صنایع و فناوری‌هایی هستند که می‌توانند به دلیل دارا بودن "قابلیت‌های اشتراکی"، پیشران و سکوی پرواز سایر صنایع و فناوری‌ها باشند، و به همین دلیل، فعال‌سازی صنایع با قابلیت‌های چند منظوره، پیشران بازی بزرگ کارآفرینی و رشد اقتصادی در قلمرو تمدن خواهد بود.

۴-۱-۷. توافقات راهبردی (ریسک و منافع)

بسیاری از صنایع، فناوری‌های نوآورانه که پیشران تغییرات در آینده هستند، مستلزم صرف سرمایه‌گذاری‌های کلان و آمیخته با ریسک بالا هستند. در حالی معمولاً در ایران بخش خصوصی متداول صرفاً در رشته‌هایی مانند بورس، دلالی، واردات و... وارد می‌شود که سود کوتاه‌مدت و آنی در پی داشته باشند. در اینجا دولت تمدنی باید بطور فعال و عمیق از پس پرده، ظرفیت‌ها را به سمت فعالیت‌های سرنوشت‌ساز و قدرت‌آفرین تمدنی هدایت کند.

از آنجا که ممکن است، بسیاری از ظرفیت‌های انسانی نخبگی از قبیل جوانان و شرکت‌ای دانش‌بنیان نوپا و...، استطاعت لازم از نظر منابع مالی، فنی، و پذیرش ریسک و... نداشته باشند، در اینجا دولت کارآفرین برخلاف رویه‌های متداول بوروکراسی مثل مزایده و مناقصه (که فقط بر یک بعد مالی تأکید دارند) باید کارآفرینان واقعی را شناسایی کند، و از طریق تأمین منابع مالی، سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها، و دانش فنی و... استعدادها را خفته کارآفرینی را در مدارهای متعالی کارآفرینی فعال سازد. دولت تمدنی اگرچه از ابزارهای صلاح و صرفه مکانیکی و ساده مانند مزایده و مناقصه استفاده نمی‌کند، و ممکن است منابع و کارخانه و تجهیزات را بطور حمایتی به افراد و استعدادها کارآفرینی بسپارد، اما کنترل راهبردی و محتوایی اثربخش مستمری بر نحوه مصرف منابع دارد تا منابع واگذار شود در مسیرهای انحرافی مثل دلالی و واردات، حرام و حیف و میل نشوند. دولت تمدنی ریسک و هزینه‌ها را تقبل می‌کند تا چرخه‌های اشتغال و کارآفرینی به حرکت در آید.

۴-۱-۸ کاشت صنایع و فناوری‌های کارآفرین برای آینده.

دولت تمدنی باید از دوره عمر صنایع و فناوری‌ها آگاهی داشته باشد، و فقط در کسب و کارهای پر بازده زمان حالاً متوقف نشود، بلکه از طریق آینده پژوهشی، بذره‌های صنایع و فناوری‌های کارآفرین آینده را در محیط تمدنی پرورش دهد، تا

در آینده، این فناوری‌های نوپا بتوانند قلمرو تمدنی را از کارآفرینی، رونق و شکوفایی آکنده سازند.

۴-۱-۹. قابلیت تجمیع‌پذیری تقاضا

از آنجا که انباشت تقاضا، محرک اصلی فعالیت‌های نوآورانه در زنجیره کارآفرینی تمدنی است، دولت تمدنی (یا دولت‌های تمدنی قلمرو اسلامی)، تلاش می‌کند تا اولاً، فناوری‌ها و صنایعی را برای کارآفرینی تمدنی برگزیند، که آنها دارای قابلیت تجمیع‌پذیری در تقاضا داشته باشند، و سپس تقاضاهای آنها را در سطح، ملی، منطقه‌ای، و تمدنی با هم تجمیع کند. این تقاضای تجمیع شده بزرگ، زمینه اصلی را برای فعالیت‌های کارآفرینی بزرگ تمدنی بوجود می‌آورد.

۴-۱-۱۰. مساعدسازی محیط نهادی

دولت تمدنی باید محیط نهادی را برای رویش قابلیت‌های کارآفرینی مساعد سازد. برای مساعدسازی محیط نهادی، دولت تمدنی می‌تواند، نهاد قانون‌گذاری، نهاد سیاست‌گذاری و... را برای رویش کسب و کارهای جدید آماده سازد.

۴-۱-۱۱. الگوی کنترل راهبردی به جای کنترل اداری

یکی از عواملی که مجال کارآفرینی را سلب می‌کند، دیوان‌سالاری، الگوهای بوروکراتیک و اداری است. زنجیره‌های ارزش کارآفرینی باید از سلطه کنترل اداری و بوروکراسی به دور باشند، تا امکان بازآفرینی‌های بدیع را پیدا کنند. دولت تمدنی باید به جای کنترل‌های اداری، کنترل‌های راهبردی را جایگزین کند. در الگوی کنترل راهبردی، تمرکز بر این امر می‌شود که آیا منابع، ظرفیت‌ها، و سرمایه‌گذاری در مسیر درست کارآفرینی جهت‌دهی شده‌اند یا نه.

۴-۱-۱۲. شناسایی تجارب موفق وارد کردن آنها در کارآفرینی بزرگ تمدنی

در صورتی کنشگران کارآفرینی مبتنی بر بافتار، تجربه‌ورزی‌های فکورانه داشته باشند، آنها به تراز کارآفرینی تمدنی نزدیک‌تر هستند.

دولت تمدنی باید کنشگران دارای تجارب موفق را شناسایی، و آنها را وارد بازی‌های بزرگ کارآفرینی در مقیاس‌های بزرگ کنند. این کنشگران دارای قابلیت می‌توانند شرکت‌های دانش بنیان از قبیل فعالین در حوزه توربین‌های نیروگاهی مثل شرکت مینا باشند. دولت تمدنی باید به این بازیگران مستعد که در مقیاس‌های محدود توفیق داشته‌اند، کارهای بزرگ در مقیاس تمدنی را واگذار کند.

۴-۱-۱۳. مربی‌گری

در کارآفرینی مبتنی بر بافت تمدنی، دانشگاه (اساتید و ظرفیت‌های پژوهشی و علمی و...) در زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی نقش مربی‌گری^۱ بر عهده می‌گیرند. بین اصل استادی و اصل مربی‌گری به اصطلاح کوچینگ تفاوت بنیادینی وجود دارد. تفاوت بین استادی و مربی‌گری در این است که در نقش استادی، مطالبی به صورت تئوری و در قالب ماهوی علم و فناوری مثلاً لبه فناوری و دانش و... عرضه می‌شود، اما استاد هیچگاه وارد صنعت به مثابه هسته کانونی و عمود خیمه یک حرکت صنعتی و کارآفرینی نمی‌شود. یک استاد متعارف دانشگاهی تدریس یا مشاوره‌هایی را ارائه می‌دهد. و پس از تدریس و مشاوره کارش تمام است و دیگر هیچگونه دغدغه‌ای ندارد. اما استادی که در نقش مربی‌گری در زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی ظهور کرده است، از اول تا آخر فرایند کارآفرینی حضور فعالی دارد. او هدایت‌گر، طراحی بازی، الهام‌بخش و پاسخ‌گو در تمام مراحل است. در کارآفرینی تمدنی، مربی‌گری مورد نیاز است. و اساتید خشتی، بدون وجه و بی‌تفاوت نمی‌توانند نقشی قابل توجهی داشته باشند. اساتید معمولی و صرف، در فراز و فرودهای تیم کارآفرینی و داخل معرکه‌های صنعتی و کارآفرینی وارد نمی‌شوند. آنها از راه دور، نظریه‌پردازی می‌کنند. اصولاً حوصله درگیری با کارهای ریز و

^۱-Coaching

درشت صنعت را ندارند. اما اساتید مربی در صنعت، در صحنه و معرکه حضور دارند، و به دلیل حضور در میدان، به بصیرت‌هایی دست می‌یابند، که جایگزینی جز حضور در صحنه نیست.

نتیجه‌گیری

تمدن عبارتست همه داشته‌های مادی و معنوی که در سیر تاریخی تدریجی و طبیعی تکوین یافته‌اند. تمدنی بودن یک رویکرد خنثی، ذهنی، و انتزاعی نیست، بلکه هر تمدنی جهان انضمامی و اختصاصی خود را از قبیل نظم بین‌المللی تمدنی، واقعیت‌های درونی تمدنی مثل حکمرانی و سیاست‌گذاری تمدنی، و کارآفرینی تمدنی خلق می‌کند.

"کارآفرینی تمدنی" نوعی از کارآفرینی است که دولت تمدنی بر اساس بافتار(همه داشته‌های معنوی و مادی تکوین یافته) برای خلق کسب و کارهای جدید و...بکار می‌بندد. در کارآفرینی تمدنی مبتنی بر بافتار اسلامی ایرانی، آیه *لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ* مهم‌ترین ایده هدایت‌گر برای دولت تمدنی است. بر این اساس، دولت تمدنی براساس داشته‌های معنوی مثل منابع وحی و سنت، و تأمل بر کنش‌ها، و بازانندیشی و احضار تجارب زیسته کارآفرینان داخل کشور، تحولات نهادی در دستور کار خود قرار می‌دهد. کارآفرینی تمدنی ابعاد متعددی دارد. بزرگان‌اندیشی در باره دولت، نقش‌پذیری دولت، و مسئولیت‌پذیری دولت تمدنی فراتر از اقدامات سطحی و حتی اصلاح شکست بازار، بلکه طراحی و خلق بازار و کسب و کارهای نوین از ابعاد مهم است. در کارآفرینی تمدنی، کارآفرینی فقط بر عهده بخش خصوصی نیست، نوعی هم‌تکاملی^۱ بین کارآفرینی دولتی و کارآفرینی بخش

^۱ - منظور از هم‌تکاملی این است که هر دو جریان با هم به بلوغ و تکامل برسند.

خصوصی به پویا در جریان است. دولت تمدنی اقدام به شکل دهی به زنجیره‌های ارزش‌ساز کارآفرینی یعنی غربال‌گری و انتخاب درست کنش‌گران مستعد برای کارآفرینی. دولت تمدنی یا دولت‌های تمدنی در سراسر قلمرو خود یک اکوسیستم کارآفرینی را مبتنی بر قابلیت‌ها شکل می‌دهند. کارآفرینی تمدنی، سکوی مشترک همه قابلیت‌های تمدنی است. در این نوع از کارآفرینی، بر قابلیت‌های چند منظوره از صنایع و فناوری‌ها تأکید می‌شود، تا از طریق هم‌افزایی آنها، ظرفیت‌های بالقوه بی‌کران آزاد شود. یکی دیگر از ابعاد کارآفرینی تمدنی، تجمیع تقاضا است. تقاضای تجمیع شده محرک نوآوری کسب و کارها، و رشد خواهد بود. دولت تمدنی از طریق کنش‌های نهادی، قانون‌گذاری و... شرایط محیطی را برای رویش طبیعی و تکوین کسب و کارها آماده می‌سازد. دولت تمدنی به جای کنترل اداری و بوروکراسی‌های طویل و زائد، از کنترل‌های راهبردی و کلان برای ارزیابی اهداف جایگزین می‌کند. دولت تمدنی، مربی‌گری را جایگزین استادی به معنای متعارف در دستور کار خود قرار می‌دهد.

جدول ۱. تمایز کارآفرینی در دولت تمدنی و سایر اشکال متعارف

ردیف	عنوان	نئوکلاسیک لیبرال	دولت بوروکرات	کارآفرینی تمدنی مبتنی بر بافتار اسلامی ایرانی
۱	منابع	-اصول اقتصادنئوکلاسیک -تجارب کشورهای غربی مثل جادوی بازار ریگان و دولت کوچک تاچر و..	- اصول اقتصاد متمركز - بوروکراسی‌ها	منابع تمدنی مثل: منابع دینی قرآن و.. تجارب زیسته
۲	دولت	دولت حداقلی،	-	- دولت قوی،

نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چارچوبی برای آینده جمهوری اسلامی ایران

<p>مسئولیت پذیر - دولت شجاع و ریسک‌پذیر به مثابه شیر غران، بیدار و تعالی‌گرا است</p>	<p>-دولت بسیار حجیم و سنگین است - بوروکرات و دیوان سالار، بی‌خاصیت و... - دولت به مثابه گره سنگین، تنبل و خواب‌آلوده</p>	<p>منفعل و در بهترین وضعیت شکست بازار وارد می‌شود دولت به مثابه شر ضروری است</p>		
<p>دولت تمدنی در کنار بخش خصوصی هر دو مسئولیت کارآفرینی را بر عهده می‌گیرند</p>	<p>دولت بوروکرات با استخدام‌های انبوه اشتغال‌زایی می‌کند</p>	<p>بخش خصوصی کارآفرینی تنها است</p>	<p>مسئولیت کارآفرینی</p>	<p>۳</p>
<p>-احراز قابلیت و صلاحیت برای مشارکت در بازی بزرگ کارآفرینی در مقیاس تمدنی</p>	<p>فقط زیرمجموعه‌های دولت بوروکراتیک بدون توجه به ملاحظات اقتصادی زیان‌دهی .. -</p>	<p>- مکانیزم بازار بر اساس معیارهای سوددهی در کوتاه مدت</p>	<p>معیارهای انتخاب فعالین</p>	<p>۴</p>
<p>پرداختن به فناوری‌ها و</p>	<p>غرق شدن در مسایل صوری و</p>	<p>صنایع و فناوری‌های با سوددهی بالا در</p>	<p>سطح صنایع و فناوری‌ها</p>	<p>۵</p>

صنایع ساختار شکن و سرنوشت ساز آینده	شکلی و غفلت از تغییرات صنعتی و فناورانه	زمان حال		
دولت تمدنی ریسک کنش گران مستعد و با قابلیت را برای ورود به فعالیت های نوآورانه را می پذیرد کنش گران منابع و حمایت های دولتی را در مسیر و اهداف دولت تمدنی صرف می کنند	کلا بر عهده دولت بوروکرات است	کلا بر عهده مکانیزم بازار است	رابطه ریسک و منافع	۶
بر دوره عمر فناوری ها و صنایع تمرکز دارد - کارآفرینی بلندمدت و آینده محور	سرگرم ظواهر بوروکراسی فرصت را از دست می دهد	صرفا تمرکز بر سود کوتاه مدت	افق زمانی	۷
دولت تمدنی، برای تحریک	دولت بوروکرات هیچ حسی نسبت	پراکنده	تقاضا	۸

نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چارچوبی برای آینده جمهوری اسلامی ایران

کارآفرینی‌های نوآورانه، تقاضا را با هم جمع می‌کند	به تقاضا ندارد			
دولت تمدنی، محیط نهادی، قانون گذاری، نهاد سیاست گذاری و... برای رویش طبیعی قابلیت‌های کارآفرینی مهیا می‌سازد	مجال برای تنفس رویش‌های کارآفرینی نیست	محیط تحت الشعاع کنش منفعت جوینان بازیگران کوتاه مدت قرار دارد	دخالت در محیط	۹
در سطح دولت تمدنی، حکمرانی راهبردی حاکم است در سطح شرکت ها، حکمرانی شرکتی حاکم است	کنترل اداری متمرکز و بوروکرات بر زیرمجموعه‌ها	کنترل مکانیزم بازار با معیارهای سوددهی	نحوه کنترل	۱۰
-داشتن تجارب موفق -حمایت دولت تمدنی از فعالین	رویه‌های بوروکرات و متعارف	داشتن منابع مالی	نحوه ورود کسب و کارها به کارهای	۱۱

<p>مستعد - زمینه‌سازی دولت تمدنی برای واگذاری پروژه‌های بزرگ تمدنی به فعالین دارای قابلیت و فاقد منابع مالی</p>			<p>بزرگتر</p>	
<p>-دولت تمدنی از دانشگاه در قالب مربی‌گری برای بازی بزرگ کارآفرینی تمدنی استفاده می‌کند</p>	<p>در قالب رویه‌های اداری و قوانین بوروکراسی و...</p>	<p>در قالب رویه‌های متداول استادی، مشاوره</p>	<p>استفاده از دانشگاه</p>	<p>۱۲</p>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، مقدمه، تهران، ترجمه محمد پروین گنابادی علمی و فرهنگی.
- روزنامه گاردین، ۲۰۱۱، گزارش کارترین مارش از دمشق.
- گاه‌شمار اعتراضات در عراق، ویکی پدیا.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، نگاهی به خصوصی‌سازی صنعت برق کشور با رویکرد تجارب جهانی.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۲)، خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه ی صنعتی کشور، انتشارات دانشگاه شریف.
- اعتراضات آبان ماه (۱۳۹۸)، ایران، ویکی پدیا.
- پارسامهر، تقی (۱۳۹۴)، تحلیل گفتمان خط مشی‌های عمومی مرتبط با بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران و ترسیم آینده‌های بدیل، رساله دکتری، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- مقیسه، رضا؛ کیقبادی، علیرضا و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۷)، علایم پیدایش تمدن نوین اسلامی، هشدار برای ایجاد و تقویت سازمان‌های تمدن‌ساز، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان.
- دادجو، ابراهیم (۱۳۹۸)، واقع‌گرایی در تمدن اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان (پیاپی ۳).
- پارسامهر، تقی (۱۳۹۸)، گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان (پیاپی ۴).
- توین بی، آرنولد (۱۳۷۶)، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: امیر کبیر.

حسینی نیا، غلامحسین و بیطرف، معصومه (۱۳۹۴)، دولت کارآفرین، اصول و مفاهیم. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد، و حسابداری، استانبول ترکیه.

دورانت، ویل (۱۳۵۶)، تاریخ تمدن، تهران: بی‌تا.

روح الامینی، محمود (۱۳۷۷)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: مهدی.

شریعتی، علی (۱۳۵۹)، تاریخ تمدن، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.

طیبیان، محمد؛ غنی‌نژاد، موسی و عباسی علی کمر، حسین (۱۳۹۰)، اندیشه آزادی، انتشارات دنیای اقتصاد.

عبد خدایی، م. (۱۳۹۳)، دولت مدرن، دولت تمدنی، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۷۵. فتاحی، حمیدرضا و طباحیان، ندا (۱۳۹۵)، بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۶.

گاه شمار جنگ داخلی در سوریه، ویکی پدیا

لوکاس، هنری (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذر، تهران: کیهان.

نوروزی، ر. (۱۳۹۴)، تمدن به مثابه سطح تحلیل. فصلنامه نقد و نظر، شماره ۸۰.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

جهانگیری، علی و مبارکی، محمد حسن (۱۳۸۸)، ارایه چارچوب ادراکی مناسب از کارآفرینی در بخش دولتی، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره سوم.

احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۳)، کارآفرینی، تعاریف، نظریات و الگوها. تهران: شرکت پردیس.

ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های کار و امور اجتماعی استان‌ها، کار و جامعه، شماره ۱۱۲.

Weiwei, Zhang (2012), *The China Wave: Rise of a civilizational state*. Singapore: world century Publishing Corporation.

Coker, Christopher (2019), *The Rise of the civilizational state*. Cambridge: polity.

Hobson, John M (2004), *The Eastern Origins of western Civilisation*. Cambridge University Press.

Bernal, Martin, Athena, Black (1987), *The Afroasiatic Roots of Classical Civilization: volume 1, the Fabrication of Ancient Greece 1785-1985*, Rutgers university press, New Brunswick, NJ.

Qian, Mu (2012), *political Gains and Losses in Chinese Dynastic History*, Jiuzhou Press Beijing.

Ahlstrom, D. Ding, Z (2014), Entrepreneurship in china: an overview. *International small Business Journal*. 2014, vol.32 (6).

Hall, J., k. Daneke, G A. Lenox, M J (2010), Sustainable development and entrepreneurship: past contributions and future directions. *Journal of Business Venturing* 25.

Tajeddini, Kayhan (2010), Effect of customer orientation and entrepreneurial orientation on innovativeness: Evidence from the hotel industry in Switzerland. *Tourism Management*, vol.31.

Sadler. Robert (2000), Corporate Entrepreneurship in public sector. The Dance of the chameleon. *Australian Journal of public Administration*, vol 56, 2 June.



شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی